

نبرد زن

نشریه دست هشت مارچ

شماره اول

ویژه روز جهانی زن

18 حوت 1379 (8 مارچ 2001)

آغاز سخن

سخن از ستم باید گفت و جلوه های گوناگونش را افشا باید کرد. سخن از ستمگران باید گفت و نقاب ها از چهره هایشان باید درید. سخن از ستمدیدگان باید گفت و آنان را از ستم و ستمگران و ستم رسیدگی خودشان واقف ساخت. " نبرد زن" در خدمت این افشاگری و نقاب دری و واقف سازی قرار دارد.

ستم بر زن طولی دارد به اندازه کل تاریخ و جوامع طبقاتی از نقطه ابتدای برده داری تا انتهای سرمایه داری در عصر کنونی. این ستم جلوه مذهبی دارد، جلوه فرهنگی دارد، جلوه عنعنوی و سنتی دارد، جلوه خانوادگی دارد، جلوه قومی دارد، جلوه دولتی دارد، جلوه جهانی دارد، جلوه قانونی دارد و جلوه غیر قانونی دارد که همه و همه از ریشه گاه و سرمنشای ستم اقتصادی سرچشمه می گیرند. آنگاهی که در صبحگاهان تاریخ تا انسان کنونی، زنان از لحاظ اقتصادی به موقعیت تحت سلطگی فرو افتادند، ستم بر آنان آغاز گشت و تا آن زمانی که این موقعیت کاملاً و از ریشه بر نیفتد، دوام خواهد نمود. " نبرد زن" امیدوار است در راه افشا سازی این ستم دیرپا، با تمام طول و عرض زمانی و مکانی آن، نقش مثبت و سازنده ایفا نماید. همانگونه که ستم بر زن جلوه های گوناگون دارد، عاملین و مجریان ستم و به بیان بهتر، ستمگران، نیز اسامی و چهره های رنگارنگ دارند. پدر ستمگر است، شوهر ستمگر است، برادر ستمگر است، طایفه ستمگری میکند، قوم ستمگر است، ملت ستمگر است، دولت ستمگر است و قدرتمندان حاکم بر جهان ستمگر اند و حتا زنان خود به عنوان مجری پدر سالاری حاکم در چهره مادر، مادر کلان، خواهر، مادر شوهر، عمه، خاله و... ستمگر اند و زن خود به عنوان مجری ستم، خود بر خود ستمگر است.

" نبرد زن" در راه بی نقاب سازی چهره های گوناگون ستمگران می رزمد و هیچ ستمگری را امتیاز نمی دهد. زنان باید آگاه گردند، نه تنها از جلوه های گوناگون ستم و

چهره های مختلف ستمگران، بلکه از نیروی پر قدرت مبارزاتی خود شان و ضربه پذیری ستم و ستمگران نیز. رسیدن به این آگاهی که آمادگی مبارزاتی در پی دارد، برای زنان یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. "نبرد زن" در راه تامین این ضرورت از هیچ کوشش و تلاشی اجتناب نخواهد کرد.

آنچه امروز بر زنان افغانستان می گذرد، کمتر مثل و مانندی در جهان دارد. حاکمیت تیوکراتیک زن ستیز کنونی، بویژه در شکل طالبی آن، یکی از کریه ترین و منفورترین چهره های دولتی ستم بر زن در جهان کنونی است. گفته معروفی است که هر جا ستم است مقاومت نیز هست. زنان افغانستان به مبارزه برخاسته اند و صفوف مبارزاتی شان را همه روزه بیشتر از پیش گسترش می دهند. از اینجا است که مسئله زنان در افغانستان، دیگر صرفاً یک مسئله اصلی بالقوه در جامعه نیست، بلکه در سطح ملی و بین المللی بصورت یک مسئله اصلی بالفعل مطرح گردیده است. "نبرد زن" برای افشای ماهیت و هویت زن ستیز حاکمیت تیوکراتیک. خاصاً در شکل و شمایل طالبی آن- با تمام قدرت و توان، در سطح ملی و بین المللی می کوشد و صدای نبرد زنان مبارز افغانستانی را در جهان انعکاس می دهد. "نبرد زن" امیدوار است که در این راه از همبستگی و همیاری جنبش مبارزاتی زنان در سایر کشور ها، بخوبی بهره مند گردد.

نظام حاکم بر جهان یک نظام ستمگر است، نه تنها ستمگر بر طبقات تحت ستم و ملل تحت ستم، بلکه بر جنس تحت ستم یعنی زنان نیز. گردانندگان یغماگر این نظام، سردمداران تمامی ستمگران بزرگ و کوچک در تمامی اطراف و اکناف عالم بر شمار می روند. از همین رو است که جنبش مبارزاتی زنان گستردگی جهانی دارد و در همه جای جهان و منجمله در درون دژهای امپریالیستی جریان دارد. "نبرد زن" در راه تقویت همبستگی جنبش مبارزاتی زنان می رزمد و درین راستا، انتقال و معرفی تجارب مبارزاتی پیشرفته جنبش زنان سایر کشور ها را برای جنبش مبارزاتی زنان افغانستان، یک وظیفه و مسئولیت تخطی ناپذیر خود میداند.

بدینسان "نبرد زن" وسیله ای است برای ارتقای آگاهی، تشکل یابی و رزمندگی جنبش مبارزاتی زنان کشور و حربه ای برای پیشبرد مبارزه علیه زن ستیزی حاکم، بویژه در شکل سبعمانه و ددمنشانه طالبی آن. بطور خلاصه "نبرد زن" نشریه ای است در خدمت تبلیغ و ترویج شعارها و خواست های مبارزاتی "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" و تشکل یابی مستحکمر و گسترده تر این دسته زنان مبارز. پشتیبانی خالصانه و همکاری صمیمانه تمامی زنان، دختران آزاده و مبارز و مردان ضد مرد سالاری را در راه اجرای اصولی و درست این مسئولیت تاریخی خواهانیم.

محل تجلیلیه هشتم مارچ 2001

در جریان روزهای نزدیک به هشت مارچ، صد ها نسخه کارت دعوتیه برای شرکت در محل تجلیلیه روز جهانی زن توسط فعالین " دسته هشت مارچ" در میان زنان پخش گردید.

"خواهران عزیز! دسته هشت مارچ همانند سال های قبل هشتم مارچ (روز بین المللی زنان) را جشن می گیرد. حضور شما در این محل یک گام رزمنده در مسیر مبارزاتی حق طلبانه زنان بوده و باعث رونق بیشتر محل خواهد شد."

همچنان کارت دعوتیه دیگری، البته نه بصورت عام بلکه بصورت منتخب در میان مردم توزیع گردید.

"جناب محترم.....! دسته هشت مارچ همانند سال های قبل هشتم مارچ (روز بین المللی زنان) را جشن می گیرد. حضور شما در این محل یک گام مثبت در حمایت از جنبش مبارزاتی زنان محسوب گردیده و باعث رونق بیشتر محل خواهد شد..."

در حالیکه ترتیبات برای برگزاری محل به خوبی پیش می رفت، قبل از ظهر روز هفتم مارچ اوضاعی پیش آمد که نشان می داد استفاده از محل تعیین شده برای برگزاری محل غیر یقینی بوده و مورد شک و تردید قرار دارد. از اینرو فعالین "دسته" تصمیم گرفتند که محل دیگری برای تدویر جلسه پیدا نمایند و در صورتیکه محوطه ای پیدا نشود، محل را در فضای باز دایر نمایند. در صبحگاه روز هشتم مارچ روشن بود که محل جشن روز جهانی زن در محل دیگری غیر از محل تعیین شده قبلی برگزار می گردد.

حوالی ظهر روز هشتم مارچ، خبر برگزاری گردهمایی در محل جدید، توسط لود اسپیکر در کوچه های محل اعلان گردید. اما متاسفانه به علت کمبود وقت، این اعلان تمامی ساحات مورد نظر را در بر نگرفت. به همین علت تعدادی از مدعوین به همان محل قبلاً تعیین شده - که در کارت های دعوتیه مشخص شده بود - مراجعه کرده و نتوانست در محل شرکت نمایند. محل ساعت چهار بعد از ظهر روز هشتم مارچ آغاز گردید و تا ساعت شش بعد از ظهر همان روز یعنی برای مدت دو ساعت دوام نمود. تعداد مجموعی شرکت کننده گان در محل تقریباً به سیصد نفر می رسیدند. محل امسال بر خلاف محافل سال های قبل صرفاً زنانه نبود بلکه مردان نیز به تعداد زیادی در آن شرکت کرده بودند. مجموعاً شش نفر از زنان و دختران به زبان های فارسی دری و اردو به ایراد سخنرانی، مقاله خوانی و شعر خوانی پرداختند. علاوه اسناد دیگری نیز در جریان برگزاری محل، در میان شرکت کنندگان پخش گردید. محل با

پخش یک آهنگ دلنشین پایان یافت.

بمناسبت برگزاری محفل تجلییه روز جهانی زن، دو پیام تبریکیه و حاکی از همبستگی مبارزاتی برای "دسته هشت مارچ" فرستاده شده بود که در جریان محفل خوانده شد. پیام اول از طرف "جنبش انقلابی جوانان" و پیام دوم از طرف دست اندرکاران "حیدریان سپورتنس کمپلکس" که سالون ورزشی آن محل برگزاری محفل بود.

پیام "جنبش انقلابی جوانان افغانستان":

جنبش انقلابی جوانان افغانستان فرا رسیدن روز جهانی زن را به "دسته هشت مارچ..." و تمامی زنان و دختران مبارز در افغانستان و سراسر جهان تبریک می گوید و بدین وسیله همبستگی خود را با مبارزات حق طلبانه زنان اعلام می نماید. ما امیدواریم محفل جشن امروزی هشت مارچ 2001 با موفقیت برگزار گردیده و نقش مثبتی در رشد و شگوفای جنبش مبارزاتی زنان کشور ایفا نماید.

"جنبش انقلابی جوانان...."

هشت مارچ 2001

پیام حیدریان سپورتنس کمپلکس:

حیدریان سپورتنس کمپلکس روز جهانی زن را برای همه خواهران مبارز تبریک می گوید. "حیدریان سپورتنس کمپلکس" به نوبه خود به عنوان یک موسسه ورزشی برای رشد و ترقی استعدادهای ورزشی دختران می کوشد و موفق گردیده است که یک تعداد از دختران مستعد را تحت آموزش های ورزشی قرار دهد. امیدواریم این گام کوچک قدم مثبتی باشد در راه تقویت نقش اجتماعی زنان و دختران و پیشرفت روز افزون آنها.

"دسته هشت مارچ..." از تمام دوستانی که به علت تغییر محل برگزاری محفل تجلییه روز جهانی زن سرگردان شده و به علت مراجعه به آدرس قبلی نتوانستند در محفل شرکت نمایند، پوزش می طلبد.

سرنگون باد زن ستیزان طالبی و غیر طالبی در افغانستان!

نابود باد نظام مردسالارانه حاکم بر افغانستان و سراسر جهان!

هشت مارچ را در هر روز سال زنده کنید !

یکبار دیگر درفش پیروزمند و خونچکان هشتم مارچ، در وزش توفان آسای عصیان زنان، چون بال گشودن عقاب برای شکار، بر فراز حیات پوسیده مرد سالاری به مثابه جزئی از کل نظام غارتگر حاکم بر جهان، به پرواز در آمده است و چرخ میزند. پرواز مغرور و سر افراز، شرنگ شرنگ پاره شدن زنجیر از دست و پای زنان ستم سوز و بپا خاسته، آهنگ امید و رهایی را در گوش خفتگان در بند می خواند و جرقه های خروش انقلاب را برای خلقها روشن می سازد. امروز دلمه های خون میلیونها قربانی گمنام، از زخم های پیکر تاریخ بیرون می جهد تا انبار های گندیده خس و خاشاک را از مسیر حرکتش روییده و با کوبیدن بر دیوارهای شب، فرا رسیدن لحظه های مرگ خفاشان تاریکی را جار زند و ستمدیدگان را سوار بر موج خشم و شورش به سوی ستیغ صخره های رهایی و آزادی رهنمون سازد. ما این روز را به منظور یاد دهانی از شهادت مظلومانه زن در طول وسعت تاریخ و بزرگداشت از پیکار مداوم آنان برای دست یافتن به حقوق انسانی شان تا سقوط نظام مرگبار و شبناک حاکمیت انسانخوار حاکم بر جهان و بخصوص افغانستان، تجلیل می کنیم. ما در لحظه های غرور پرور و پر شور این روز که ظنین ترنم زیبای گسستن زنجیرهای اسارت زنان از سراسر جهان گوشهای ما را می نوازد، پیمان دفاع از حقوق نیم پیکر جامعه انسانی و جامعه افغانستانی را به عنوان محور مبارزات انقلابی مان با اشک شوق امضا می کنیم.

اگر زن برده خانگی بوده و شکنجه و توهین و حتا کشتن او نه تنها هیچ سوالی در پی ندارد بلکه بیان غرور و غیرت مردانه مردان است. اگر چهار دیواری خانه برای زن زندان ابد، شکنجه گاه، عزاخانه و راز دار اسرار ها، عقده ها، درد ها، ناله ها و آه حسرتبار و غریبانه است. اگر اشک ها و گریه های محرومانه یک زن، مکر، نیرنگ و شیطنت وی تلقی میشود. اگر راه رفتن زن در معابر عمومی زمینه تمسخر و توهین نسبت به زنان برای بی باوران به انسانیت می گردد. اگر حرف گفتن از تعلیم زن گناه کبیره به حساب می آید. اگر ارزش دختر در نزد پدر با درجه قیمت او در بازار سیاه وزن میشود. اگر هر روز زنان و دختران برای فرار از محنت و ادبار زندگی به آغوش شعله های گرم آتش پناه می برند و یا گردن شانرا راحت تر از خفه شدن توسط شوهر، پدر یا برادر، به حلقه دار می سپارند. اگر هنوز زنان و دختران غنیمت جنگی احزاب ارتجاعی حاکم بر کشور به شمار می روند و در طی سالها جنگ ارتجاعی داخلی، گمنام ترین و بی نام و نشان ترین قربانیان و اسیران هستند. اگر هنوز شلاق چرمی میر غضبان جهالت و تاریکی، پشت و پهلوی دختران و زنان را به جرم بیرون شدن از خانه کیود می سازد. اگر اگر.....

آری همه این جزا ها و کیفرها، پیش از آنکه یک دختر قدم به دنیا بگذارد، در بستر ضد انسانی و فرهنگ مسلط تعیین شده است و همان روزیکه وی قدم به این دنیا می گزارد یک زندانی دیگر در صف میلیونها زندانی دیگر افزوده میگردد. این کودک که تا

هنوز نمی داند از کجا به کجا آمده، محنت، مظلومیت، شکنجه و توهین انتظارش را می کشد، زیرا این نظام و این فرهنگ زن را انسان نمی انگارد بلکه کالای قابل خرید و فروش و برده خانگی میداند که با صفات عفریته، شریک شیطان و مایه پلیدی و فساد توصیف می گردد.

ای زن! ای نیمی از پیکره جامعه انسانی! میدانیم که بر تو چه گذشته است و چه میگردد! هیچ فراموش نکرده ایم و نمی کنیم و از همین رو است که می گوئیم: مرگ بر این چنین نظام و باور و فرهنگ که انسان را اینگونه به بند می کشد. از همین رو است که فریاد می کشیم: ای اندیشه های آگاه، ای چشمان بینا، ای وجدان هاییکه نمرده اید، ای صدهاییکه خفه نشده اید! بر علیه این تبعیض، بر علیه این توهین به انسانیت، بخروشید و زمین و زمان را به هم زنید! بر خیزید و سر به عصیان بگذارید! اگر اسارت را بپذیرید، نا انسانها، انسانیت انسان را همچنان در بند نگه خواهند داشت. از همین رو است که تجلیل از هشتم مارچ برای ما آهنگ شیرین و شور انگیز دارد. پس ای دختر درد مند وطن! ای زن آگاه و رزمنده! تویی حنجره فریاد، صدای رسا و زبان گویای میلیونها زن خاموش و قربانی شده گمنام افغانستان! سکوت بشکن، بر خیز و فریاد برآر، تف به ریش این باور و این فرهنگ بینداز!

هر روز را هشت مارچ بساز و هشت مارچ را در هر روز سال زنده کن!

تاریخچه هشتم مارچ روز جهانی زن

روز هشتم مارچ 1857، زنان کارگر نساجی در امریکا، در مخالفت علیه شرایط وحشتناک کار و زندگی، ساعات طولانی کار، استثمار شدید، دستمزد کم و محرومیت از هر گونه امکانات رفاهی، دست به مبارزه زدند. آنها تظاهرات کردند و خواهان افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار و بهبود شرایط کار شدند. این مبارزه نقطه عطفی در تاریخ مبارزات زنان و کارگران بود، مبارزه ای که مقاومت زنانی را انعکاس میداد که بخاطر حرکت پرشتاب سرمایه داری به عرصه تولید و کار خارج از خانه کشیده می شدند. این مبارزه در ذهن زنان آزادیخواه در امریکا حک شد.

نیم قرن بعد، زمانی که مبارزات زنان برای تامین حقوق سیاسی و اجتماعی شان اوج گرفته بود، تظاهراتی به مناسبت پنجاهمین سالگرد هشتم مارچ 1857، توسط زنان برگزار گردید. در سال 1907 که این تظاهرات برپا شد، جنبش انقلابی کارگری به یک پدیده بین المللی تبدیل گشته بود و زنان کارگر و روشنفکر انقلابی به تعداد زیاد در صفوف این جنبش مبارزه می کردند. در میان آنها پیشگامانی بودند که به درستی بر ضرورت مبارزه مشخص علیه ستم جنسی و مبارزه برای برابری اجتماعی و اقتصادی زنان و مردان انگشت گذاشتند. آنها مبارزه می کردند تا نشان دهند که این امر یک

جزء غیر قابل چشم پوشی از مبارزه برای رهایی همه ستمدیدگان دنیا است. آنها به درستی معتقد بودند که این مبارزه نباید به تاخیر افتد. اساس و پشتوانه تلاش آنها، مبارزه در حال گسترش توده زنان در امریکا و اروپا بود که مسئله زنان را بمثابة یک مسئله حاد و در دستور کار مطرح می کرد.

در روز 23 فبروی 1909 دو هزار تن از زنان نیویارک، با شعار حق رای دهی برای زنان دست به تظاهرات زدند. آنها در پشت این مطالبه، به رسمیت شناساندن هویت انسانی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خود را جستجو می کردند، هویتی که در نظامهای طبقاتی مرد سالار برای قرنهای نادیده گرفته شده است. زنان تظاهر کننده پیشنهاد کردند که هر سال در روز یکشنبه آخر فبروری تظاهرات سرتاسری در امریکا بمناسبت روز زن برگزار شود....

کلارازنکین انقلابی معروف، مسئله تعیین روز بین المللی زن را به دومین کنفرانس زنان سوسیالیست پیشنهاد نمود. زنان سوسیالیست اتریش قبلاً روز اول ماه می را به عنوان روز جهانی زن پیشنهاد کرده بودند که مورد پذیرش کنفرانس قرار نگرفته بود. زنان سوسیالیست آلمان روز 19 مارچ را پیشنهاد کردند. در چنین روزی بود که در اثر مبارزات انقلابی توده های مردم در سال 1848، رژیم شاهی پروس، وادار به عقب نشینی های معینی گردید. یکی از این عقب نشینی های حکومت در مورد مطالبات زنان بود. دومین کنفرانس زنان سوسیالیست تاریخ برگزاری اولین مراسم روز جهانی زن را 19 مارچ 1911 تعیین کرد. تصمیم گیری نهایی برای تعیین روز جهانی زن به بعد موکول گردید.

پس از انتشار قطعنامه کنفرانس مذکور در مورد تعیین روز جهانی زن، انترناسیونال دوم (تشکیلات بین المللی احزاب سوسیالیست و جنبش کارگری در آن دوره) از این تصمیم حمایت کرد و این روز را به رسمیت شناخت. 19 مارچ 1911 فرا رسید. جاده های شهر های آلمان، اتریش، سویس، دنمارک و سایر کشورهای اروپایی در اثر تظاهرات زنان به لرزه در آمد. تعداد زنان تظاهرکننده در اتریش به سی هزار نفر می رسید. در این روز نیروهای پولیس بالای تظاهرات زنان حمله نموده و به لت و کوب زنان پرداختند و عده ی را دستگیر کردند. از همان اولین مراسم روز جهانی زن روشن شد که میان زنان مبارز و حاکمان ستمگر، سازشی نمی تواند در کار باشد.

در سال 1913، دارالانشاء بین المللی زنان - یکی از موسسات مربوط به انترناسیونال دوم - هشتم مارچ را با خاطره مبارزه زنان کارگر نساجی در امریکا به عنوان روز جهانی زن انتخاب کرد. در همان سال زنان زحمتکش آگاه و زنان روشنفکر انقلابی در روسیه تزاری و در اروپا، مراسم هشت مارچ را به شکل تظاهرات و اجتماعات برگزار کردند. در سال 1914، به دلیل آغاز جنگ جهانی اول - که جنگی بود میان کشورهای سرمایه داری - روز جهانی زن برگزار نگردید. زنان انقلابی در اروپا تلاش نمودند که تظاهرات هشت مارچ سال 1915 و 1916 را تحت شعار " علیه جنگ امپریالیستی " برگزار کنند. اما تاثیرات دوام جنگ باعث گردید که برگزاری روز جهانی زن به صورت سرتاسری انجام نیابد.

تظاهرات زنان کارگر در پتروگراد روسیه علیه گرسنگی و جنگ و علیه حکومت در هشتم مارچ 1917 جرقة آغاز انقلاب بود. کارگران شهر، در پشتیبانی از این تظاهرات اعلام اعتصاب عمومی کردند. هشتم مارچ 1917 به یک روز فراموش ناشدنی در تاریخ انقلاب روسیه تبدیل شد. در سال 1921 کنفرانس زنان انترناسیونال سوم در مسکو برگزار گردید. در این کنفرانس روز هشتم مارچ به عنوان روز جهانی زن به تصویب رسید. کنفرانس مذکور زنان سراسر دنیا را به گسترش مبارزه علیه نظام حاکم و برای بدست آوردن خواسته های شان دعوت نمود.

در اواسط دهه 1930 برگزاری تظاهرات روز جهانی زن در کشور هاییکه تحت سلطه فاشیسم بودند غیر قانونی اعلام شد. با وجود این ممنوعیت، در هشت مارچ 1336 ، زنان برلین که از گرسنگی و فلاکت و بیکاری به تنگ آمده بودند، دست به تظاهرات زدند. در همان روز سی هزار زن رزمنده در اسپانیا با شعار آزادی و صلح، تظاهرات بزرگی برپا نمودند. پس از جنگ جهانی دوم، مبارزات انقلابی و ملی در سراسر جهان شگوفا شد. در امریکا و اروپا زنان علیه سنن و قیود مرگبار قوانین مردسالارانه و احکام اسارتبار به پا خاستند.

با پیروزی انقلاب در چین، مبارزه انقلابی زنان در جهان گام گسترده و عظیمی به پیش برداشت و مثالهای انقلابی بسیاری از شرکت فعال زنان در تمامی امور جامعه عملاً متحقق گردید. دست آوردهاییکه زنان در مبارزات شان در طی سالها بدست آوردند مانند حق طلاق، کاهش ساعات روزانه کار، منع آزار جنسی و غیره در برخی از کشورها تثبیت گردید. در دهه 1960، جنبش رهایی زنان در پیوند با جنبش عمومی انقلابی در اروپا و امریکا به پیش رفت. یک نمونه از این پیوند تظاهرات هشت مارچ 1969 در امریکا بود، در این روز زنان انقلابی و مبارز در دانشگاه برکلی گرد آمدند و علیه جنگ تجاوزکارانه امریکا در ویتنام تظاهرات کردند.

سازمان ملل متحد در سال 1975، هشتم مارچ را به عنوان روز جهانی زن به رسمیت شناخت. از آن پس روز جهانی زن توسط اکثریت حکومت های کشورهای مختلف جهان نیز تجلیل می گردد. اما در افغانستان، حکومت طالبان این روز را به رسمیت نمی شناسد و برگزاری آنرا غیر قانونی میدانند. در منطقه تحت کنترل جمعیت اسلامی و شورای نظار نیز روز جهانی زن را برگزار نمی کنند. تنها در مزار شریف و بامیان برای یکی دوبار روز جهانی زن را به اصطلاح تجلیل نموده اند.

زنان رزمنده در محیط مهاجرت، در پاکستان و کشورهای اروپایی توانسته اند هشتم مارچ را با برگزاری محافل و پخش اعلامیه ها بصورت پیهم برگزار نمایند. از آن جمله " دسته هشت مارچ... " طی سه سال گذشته بصورت پیهم از روز جهانی زن تجلیل به عمل آورده است.

تجلیل از هشتم مارچ روز جهانی زن، تجلیل از مبارزات زنان علیه ستم و تجلیل از قربانی هایی است که آنها در این مبارزه محتمل گردیده اند. فرا رسیدن روز هشت مارچ را به تمام زنان و دختران افغانستان و سایر کشورهای جهان تبریک می گوئیم و مبارزات آنها علیه ستم را هر چه شگوفان تر می خواهیم.

معرفی "دسته هشت مارچ زنان افغانستان"

بتاریخ بیستم جدی 1376، مطابق به دهم جنوری 1998، یک اجتماع اعتراضی توسط زنان مهاجر افغانستانی مقیم کوئته، علیه پابیمالی حقوق زنان در افغانستان، بویژه توسط طالبان و محاصره اقتصادی هزاره جات توسط آنها، در یکی از محلات مهاجر نشین حومه شهر کوئته، دایر گردید. درین گردهم آیی بیشتر از دوصد تن از زنان و دختران مهاجر افغانستانی شرکت کردند که اکثریت عظیم شانرا توده زنان و دختران و بخش کوچک شانرا تحصیل کرده ها تشکیل میدادند. درین گردهمایی چندین تن از زنان و دختران در خواندن مقالات، ایراد سخنرانی، مصاحبه مطبوعاتی و راییه قطعنامه جلسه شرکت کردند. از آنجاییکه این نوع گردهمایی زنان مهاجر افغانستانی و اینگونه حرکت مبارزاتی آشکار آنها، برای اولین بار بود که صورت میگردفت، خبر برگزاری جلسه، وسیعاً انعکاس یافت. برگزاری جلسه در میان توده های مهاجرین افغانستانی مقیم کوئته و گرد و نواحی آن با استقبال گرم و وسیع مواجه گردید و روزنامه های محلی کوئته نیز خبر آنرا انعکاس دادند. همچنان خبر مربوط به تشکیل این گردهمایی در سرویس های خبری فارسی و پشتو، مجله آسیای میانه، اردو، هندی و سرویس جهانی رادوی بی بی سی بصورت جدی منعکس گردید.

بلافاصله پس از تدویر گردهمایی، تهدیدات گروه متعصب و فرقه گرای "سپاه صحابه" بر ضد زنان مبارز آغاز گردید. این گروه مرتجع و مزدور سعی نمود که گردهمایی زنان مبارز را رنگ کاملاً ملیتی و حتا رنگ مذهبی بدهد و آنرا حرکتی صرفاً از طرف زنان هزاره و حتا زنان شیعه مذهب وانمود نماید، در حالیکه این جلسه فارغ از هر گونه تعصبات مذهبی و سوء استفاده از مذهب و باور های مذهبی بوده و در مورد پابیمالی حقوق زنان در افغانستان و خواستهای زنان کشور، دید سرتاسری داشت و بر مبنای این دید، هم علیه طالبان و هم علیه حکومت ربانی (انتلاف مخالف طالبان) موضع گرفت.

"سپاه صحابه" در تهدیدات خود، که در روزنامه های محلی کوئته انتشار یافته بود، آشکارا اعلام نمود که اگر حرکت های اعتراضی زنان مهاجر علیه حاکمیت اسلامی طالبان ادامه پیدا نماید، این گروه یکجا با سایر احزاب دینی بلوچستان پاکستان، با استفاده از اسلحه و از طریق برخورد قهری برای سرکوب این حرکت ها اقدام خواهد نمود. اما این تهدیدات باعث توقف در مبارزات زنان نشد بلکه این مبارزات همچنان ادامه یافت.

تقریباً دوماه بعد از تدویر اجتماع اعتراضی دهم جنوری، محفل تجلیلیه روز جهانی زن (هشتم مارچ)، برگزار گردید. این محفل همانند گردهمایی اعتراضی بیستم جدی (دهم جنوری)، یک اجتماع منفرد و تنها نبود، بلکه بخشی از یک سلسله محافل و اجتماعاتی بود که در مناطق و کشورهای مختلف، توسط زنان مبارز افغانستانی و ایرانی بصورت مشترک و یا جدا جدا ولی در واقع تحت یک برنامه واحد، به پیش برده

شد، برنامه ای که خود بخشی از مبارزات زنان کشورهای مختلف جهان در روز هشتم مارچ 1998 محسوب می گردید. کارزار مشترک هشت مارچ 1998 زنان مبارز ایرانی و افغانستانی مورد حمایت و پشتیبانی تعداد زیادی از نیروها و شخصیت های مبارز ایرانی و افغانستانی قرار گرفت.

در چوکات این کارزار، چندین محفل و راهپیمایی در چند کشور اروپایی توسط زنان مبارزه ایرانی و افغانستانی براه افتاد. همچنان به عنوان بخشی از این کارزار پیش از هشت صد تن از زنان و دختران افغانستانی، هشتم مارچ 1998 را در شهر کویته جشن گرفتند.

پس از برگزاری مراسم هشتم مارچ 1998 در شهر کویته، نوبت به ملاءهای طرفدار جمهوری اسلامی ایران رسید که همانند برادران " سپاه صحابه " شان به واکنش علیه زنان مبارز دست بزنند. عوامل جمهوری اسلامی ایران، در قدم اول از طریق اعزام گماشته های شان در درون محفل تجلیلیه هشت مارچ 1998 سعی به عمل آوردند که در کار برگزاری محفل اخلاص به وجود بیاورند. اما از آنجاییکه این نقشه ناکام گردید و عناصر گماشته شده در اثر شهامت رزمجویانه برگزار کنندگان محفل مبنی بر دفاع از مواضع و عملکرد های شان، خجالت زده از محفل بیرون رفتند ، عوامل مذکور، پس از برگزاری محفل خود مستقیماً دست بکار شدند. چند تن از این کاسه لیسان، پس از تلاش چند هفته یی، نتوانستند از ساحات مختلف محل، در حدود هفده نفر را جمع نمایند و در طی چند جلسه اتهام نامه ایرا علیه زنان مبارز ترتیب نموده و منتشر نمایند. علیرغم اتهامات ردیانه مطرح شده در این ورق پاره و تبلیغات شفاهی پست هماتاه یی که علیه زنان مبارز به پیش برده شد، آنها نتوانستند حمایت مردم محل را علیه " دسته برگزار کننده هشت مارچ " جلب نمایند. اما این تبلیغات و تهدیدات ادامه یافت و در محفل مذهبی روز عید غدیر و همچنان در نماز عید بصورت تهدید آمیز و اخطار گونه تکرار گردید. ولی واکنش بیشتر مردم محل در مقابل این تبلیغات و تهدیدات ناروای شان، فحش و ناسزا به خود آنها بود و این امر مشوقی بود برای زنان مبارز که همچنان به کار و پیکار شان ادامه دهند و تهدیدات و هیاهوی ردیانه کاسه لیسان جمهوری اسلامی ایران را به هیچ گیرند.

تقریباً شش ماه بعد از برگزاری محفل تجلیلیه هشت مارچ 1998، پس از قتل عام مزار شریف توسط طالبان جلسه عمومی " دسته هشت مارچ " دایر گردید. در جلسه عمومی دسته، علاوه بر اینکه نام دسته از "دسته برگزار کننده هشت مارچ" به " دسته هشت مارچ " تبدیل گردید، مواضع دسته در مورد اوضاع فعلی افغانستان، خواستههای عاجل فعلی و خواستههای عمومی ملی - دموکراتیک در قطعنامه جلسه فورمول بندی شده و بیان گردید.

تجلیل از روز جهانی زن در هشتم مارچ 1999، با شکوه تر و وسیع تر از سال قبل بود. بیشتر از یک هزار تن از زنان و دختران مهاجر افغانستانی و تعداد معینی از زنان و دختران پاکستانی در محفل تجلیلیه هشت مارچ 1999 شرکت کردند. شمار زیادی از زنان و دختران - شامل افراد دسته هشت مارچ و سایر زنان و دختران شرکت کننده

در محفل - به ایراد سخنرانی، مقاله خوانی، شعر خوانی و اجرای پارچه های تمثیلی پرداختند. ترکیب شرکت کنندگان محفل رنگارنگ بود، ولی اکثریت آنان را زنان و دختران زحمتکش تشکیل می دادند. محفل تجلییه هشت مارچ 1999 به خوبی نشان داد که تبلیغات و تهدیدات رژیم علیه زنان مبارز نتوانسته و نمی تواند جلو مبارزات حق طلبانه آنان را بگیرد و مانع شرکت روز افزون توده زنان و دختران در این مبارزات شود.

" دسته هشت مارچ" به علت مواجه شدن با مشکلات تخنیکی، در تجلیل از روز جهانی زن در هشتم مارچ سال 2000 نتوانست زمینه ی گردهمایی وسیع توده بی زنان را فراهم سازد، اما قادر شد اعلامیه ای در چند هزار نسخه در میان مردم پخش نماید. علاوه بر دهم مارچ سال 2000 نیز اعلامیه ای در چند هزار نسخه، در مورد تشکیل سیمیناری راجع به مسئله زنان توسط طالبان در کابل، در میان مردم پخش گردید.

" دسته هشت مارچ " در دهم دلو سال 1379 (سی ام جنوری 2001) بخاطر تقبیح قتل عام پیر مردان، زنان و کودکان یکاولنگی توسط اداره ددمنش طالبان، اعلامیه ای بنام "باند طالبان و یک جنایت ددمنشانه دیگر " در چند هزار نسخه در میان مردم پخش نموده است. اینک یک بار دیگر روز جهانی زن فرا رسیده است و " دسته هشت مارچ" افتخار دارد که باز هم از این روز تجلیل به عمل می آورد. خواستها و شعار های مبارزاتی " دسته هشت مارچ " که در قطعنامه های گردهمایی توده بی و نیز در جلسه عمومی دسته بیان و تسریع گردید، عبارت اند از :

- 1- مبارزه برای سرنگونی شوونیسم مرد سالار حاکم و ایجاد جامعه مبتنی بر تساوی کامل میان زنان و مردان و در این راستا مبارزه برای کسب حقوق و خواستههای عاجل زنان و دختران از قبیل حق کار در بیرون از خانه، حق تحصیل علم، حق آزادی در انتخاب لباس، حق آزادی انتخاب زندگی زناشویی، حق شرکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی و حق شرکت در اداره امور جامعه در تمامی سطوح. این مسیر و خواستها و شعار ها محور مبارزاتی " دسته هشت مارچ " را تشکیل می دهد که در شرایط حاضر از کانال مبارزه علیه شوونیسم حاکم ، بویژه شوونیسم طالبی می گذرد.
- 2- مبارزه برای ایجاد جامعه عاری از ستم جنسی بدون مبارزه برای ایجاد جامعه عاری از ستم طبقاتی و ستم ملی، به فرجام نهایی خود نخواهد رسید. دورنمایی عالی و هدف غایی " دسته هشت مارچ" را ایجاد جامعه ای تشکیل می دهد که عاری از هر نوع ستم، اعم از ستم طبقاتی، ستم ملی و ستم جنسی باشد و بر این مبنا، علاوه از مبارزه در راه کسب حقوق زنان، برای تامین حقوق زحمتکشان، رهایی از سلطه قدرت های یغماگر جهانی و تامین آزادی ملی، ناپودی شوونیسم ملی و ستم ملی و برقراری تساوی میان تمامی ملیت های کشور بر مبنای قبول حق تعیین سرنوشت ملیت ها بدست خود شان، سرنگونی تیوکراسی حاکم و ایجاد نظام دموکراتیک مبتنی بر جدایی دین از دولت، و بطور خلاصه، برقراری نظام دموکراتیک مردمی، در مرحله فعلی

مبارزاتی کار و پیکار می نماید.

3- مبارزه در جهت ارتقا و گسترش سطح مبارزاتی انقلابی زنان و همچنان ایجاد هماهنگی و همسویی مبارزاتی در جنبش مترقی حق طلبانه زنان کشور، یکی از وظایف اصلی مبارزاتی "دسته هشت مارچ" محسوب می گردد.

4- مبارزه انقلابی زنان افغانستان بخش لاینفکی از مبارزات انقلابی زنان سراسر جهان می باشد، همانگونه که مبارزات انقلابی مردمان افغانستان درکل، بخش جدایی ناپذیری از مبارزات انقلابی مردمان سراسر جهان را تشکیل می دهد. "دسته هشت مارچ" بر اصل همبستگی با جنبش انقلابی زنان در سایر کشور ها و جنبش انقلابی مردمان جهان در کل، عمیقاً باورمند بوده و برای تحکیم روز افزون پیوند با جنبش انقلابی زنان در سایر کشور ها و جنبش انقلابی جهانی در کل، بگونه مستمر و پیگیر تلاش به عمل می آورد.

زنده باد مبارزه حق طلبانه زنان در سراسر جهان! —————

باند طالبان و یک جنایت ددمنشانه دیگر

یکی از جوانب ضد انسانی و جنایتبار جنگ های خانمانسوز ضد مردمی در افغانستان، پامالی دد منشانه و حیوان صفتانه حقوق فردی و اجتماعی زنان در جریان آنها است که توسط تمامی باند های درگیر در این جنگ ها با بیرحمی و قساوت زاید الوصفی به عمل می آید. هیچ یک از دار و دسته های شامل در جنگ های جاری از دیدگاه ها و عملکرد های انسانی در رابطه با حقوق زنان برخوردار نیستند. این دیدگاه ها و عملکرد ها کارکرد دائمی و مداوم دارند، اما در جریان درگیری ها و برخورد های نظامی با تمامی ویژگیها و زشتی های کراهت آور خود نمایان می گردند. تجاوز بر زنان و اختطاف و قتل آنها در جریان درگیری ها اموری اند معمولی و هیچ یک از باند های شامل در جنگ ها از مبادرت به آنها ابایی ندارد.

به ادامه این جنایات، چندی قبل، تقریباً صد و پنجاه نفر از اهالی غیر نظامی ولسوالی یکاولنگ ولایت بامیان، توسط تفنگچی های درنده خوی داره جاهل و بی معرفت طالبان قتل عام گردیدند که بیشتر از نصف آنها را زنان و کودکان تشکیل می دادند. وقوع این جنایت آفتابی توسط منابع مختلف داخلی و خبر رسانی های خارجی و حتا سازمان های دفاع از حقوق بشر تایید گردیده و مورد تقبیح قرار گرفت. اما ملا عمر "امیر المومنین" طالبان، شخصاً حاضر شد با دیده درایی تمام و وقاحت کم نظیر دست به انکار بزند و با کلام بی عفت و صدای بی عزت خودش اعلام نماید که اصلاً چنین "

حادثه " ای رخ نداده است. این دروغ شاخدار نشانه ای است از سقوط اخلاقی و فساد معنوی هولناک " امارت اسلامی " که حتا " امیر المومنین آن از بهم بافتن دروغ های کاملا آشکار شرم ندارد و خجالت نمی کشد.

قتل عام زنان و کودکان و پیر مردان غیر نظامی یکاولنگ، اولین تحفه " تشدید تعزیرات " سازمان به اصطلاح ملل متحد علیه رژیم طالبان است و به یقین آخرین آن نخواهد بود. این زهر مقاتل پیچیده شده در زورق " برنامه صلح " که از طرف قدرتمندان حاکم بر جهان، بنا به دلایل و انگیزه های مختلف، برای افغانستان تجویز شده است، آتش جنگ های خانمانسوز ارتجاعی را بیشتر از پیش دامن میزند. در این نسخه کشنده از تحریم نظامی یکجانبه رژیم طالبان صحبت به عمل می آید و این هیچ نیست مگر تحریک و تشویق داره های نظامی مخالف طالبان برای تحرکات نظامی بیشتر و آنهم در حالیکه برای تطبیق عملی تحریم نظامی " امارت اسلامی " هیچ گونه ضمانت اجرایی و ترتیبات عملی در نظر گرفته نشده است. لذا نتیجه عملی این " برنامه برای صلح " که هم اکنون سریعاً خود را نمایان گردانیده است، غیر از گسترش بیشتر از پیش آتش جنگ های خانمانسوز جاری در افغانستان دوام و توسعه قتل و غارت و آوارگی توده های مردم، منجمله کودکان و زنان، چیز دیگری نخواهد بود.

چنانچه جلو " شطرنج بازی " های قدرت های یغماگر جهانی و حرکت مهره های آلت دست آنها بر صحنه افغانستان گرفته نشود، باز هم شاهد نمونه های بیشمار قتل عام ها و غارتگری های دد منشاانه و دوام فلاکت و فقر و آوارگی کشور و مردمان کشور، به ویژه زنان، خواهیم بود. طریقه واحد برآورده ساختن این مامول عادلانه، برچیدن کامل بساط قدرت های چپاولگر و مهره های وطنی آنها از کشور و تامین حقیقی آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی برای همه توده های مردم، بشمول زنان، است.

" دسته هشت مارچ " به مثابه دسته ای متشکل از زنان افغانستانی، ضمن یاد بود از شهادت زنان یکاولنگی و سایر زنان و مردان و کودکانی که قربانی خونخواری های داره های نظامی به ویژه داره کور دل و تاریک اندیش طالبان گردیده اند، یکبار دیگر تعهد استوارانه اش را در راه مبارزه بخاطر تامین کامل حقوق حقه زنان در مسیر مبارزاتی انقلابی برای ایجاد جامعه فارغ از هر نوع ستم طبقاتی و ملی و جنسی، اعلام می نماید. ما همه زنان مبارز را به پیوستن به این صف مبارزاتی و همه مردان مبارز را به حمایت از این صف دعوت می نماییم.

**مرگ بر باند های زن ستیز طالبی و غیر طالبی !
زنده باد مبارزات حق طلبانه زنان !**

" دسته هشت مارچ "

دهم دلو 1379*

زان تغافل گر کنون ناشاد باید زیستن
ای فراموشان به ذوق یاد باید زیستن

بلیلان هم بندش دامست اینجا هم قفس
بر علیه خاطر صیاد باید زیستن

من همی گویم به کلی از تعلق ها برآ
کاملاً زین درد سر آزاد باید زیستن

چون سپندم عمرها در کسوت افسردگی
بر امید تپش فریاد باید زیستن

هر سر مویت خم تسلیم چندین جا نکنی ست
با هزاران تیشه فرهاد باید زیستن

اینچنین بودن نباشد راحتی بهر نفس
در ره یک نو شدن با شوق باید زیستن

زنی چنگ در آسمان افگند
هنگامیکه خونش فریاد و
دهانش بسته بود.
خنجر خونین
بر چهره نا باور آبی !
عاشقان چنینند

*

کنار شب
خیمه بر افراز
اما چون ماه بر آید

تفنگت را
برای جنگیدن
آماده کن
و در کنارت بگزار
با تمام خشم خویش
با تمام نفرت دیوانه وار خویش
می کشم فریاد
ای جلاد!
ننگت باد!

بشنو ای جلاد
می رسد آخر
روز دیگرگون؛
روز کیفر؛
روز کین خواهی
روز بار آوردن این کشتزار خون
زیر باران
سبز خواهد گشت بذر کین
وین کویر خشک

بارور خواهد شد از گل های نفرین
آه ، هنگامیکه خون از خشم سرکش
در تنور قلب ها می گیرد آتش
برق سر نیزه چه ناچیزست!
و خروش خلق
هنگامیکه می پیچد
چون طنین رعد از آفاق تا آفاق
چه دلآویز است!

بر زمينه سربیی صبح، سوار، خاموش ایستاده است
و یال بلند اسبش در باد، پریشان میشود.
ولی، سواران نباید ایستاده باشند

هنگامیکه حادثه اخطار میشود
کنار پرچین سوخته، دختر، خاموش ایستاده است
و دامن نازکش در باد، تکان می خورد
ولی، دختران نباید خاموش بمانند، در هر حالتی
به ویژه هنگامیکه مردان نومید و خسته، پیر میشوند.

خوشامد گوی آغاز بهاران یقینی بی گمان این برف چرخان	چسان زیبا بود این باد و باران و داع گوید بهاران را به زودی
شگوفد ارغوان جای برودت بهار سرخوشی جای کدورت	فراز صخره ها از سینه ی کوه همی خواهد دل پر ز آرزویش
بهار شاد و سر سبز و شگوفان از آنرو هست اینسان مست و شادان	ولی تنها برای خود نخواهد رساند مزده فصل بهاران
که در کوهسار گلهایی ز هر رنگ بگیرند ارغوان را در میان تنگ	نشیند خنده آنگه بر لبانش شگوفند هر طرف با شادمانی

شب هست و دریا - سر را بکوبد - بر سنگ ساحل
چون سوگواران
شب هست و خواند - آن مرغ دلتنگ - تنها تر از ماه
بر شاخساران
شب هست و ریزد - خون شقایق - از خنجر باد
بر سبزه زاران
شب هست و سوزد - چون اخگر سرخ - در پای آتش
دل های یاران
شب هست و غمناک - با آتش دل - ره می سپاریم
در زیر باران
شب هست و هستیم - در غربت دشت - بوی سحر را
چشم انتظاران
غمگین تر از ما - هرگز ندیده - چشم ستاره
در روز گاران

ای صبح روشن - چشم و دل ما - روی خوست را
آینه داران
پر سازد آخر - چون خنده صبح - آفاق شب را
بانگ سواران

سرود طالبان

طالبان هستیم ما خصم زنان هستیم ما
بی دانشان هستیم ما بد جاهلان هستیم ما
و عده دهیم استوار
نعره زیم بی قرار
کشور تیره و تار
ملت زار و نزار
کور دلان هستیم ما
طالبان هستیم ما

طالبان هستیم ما خصم زنان هستیم ما
بی دانشان هستیم ما بد جاهلان هستیم ما
در وطن رشوت خوشست
دزدی خوش و سرقت خوشست
غم خوشست وحشت خوشست
از بهر ما دلت خوشست
فاسدان هستیم ما
طالبان هستیم ما

طالبان هستیم ما خصم زنان هستیم ما
بی دانشان هستیم ما بد جاهلان هستیم ما
آزادگی بی عزتیت
انسانیت بی غیرتت
دانشوری بی قوتیت
پیشرفتگی بی رفعتیت
ناکسان هستیم ما
طالبان هستیم ما

طالبان هستیم ما خصم زنان هستیم ما
بی دانشان هستیم ما بد جاهلان هستیم ما
بمب اتم شیره ما

پرسود هر پیره ما
 پر پول هر عرصه ما
 عالی بود خشره ما
 کاسبان هستیم ما
 طالبان هستیم ما
 طالبان هستیم ما
 بی دانشان هستیم ما
 خصم زنان هستیم ما
 بد جاهلان هستیم ما
 زن بایدش جاهل بود
 بی معرفت غافل بود
 علم زنان باطل بود
 باید که زن عاطل بود
 فاسقان هستیم ما
 طالبان هستیم ما
 طالبان هستیم ما
 بی دانشان هستیم ما
 خصم زنان هستیم ما
 بد جاهلان هستیم ما
 وحشیگری شیوه ما
 ملت کشی پیشه ما
 پر خون بود پنجه ما
 ریشه کند تیشه ما
 قاتلان هستیم ما
 طالبان هستیم ما
 طالبان هستیم ما
 بی دانشان هستیم ما
 خصم زنان هستیم ما
 بد جاهلان هستیم ما

د طالبانو ترانه

مور خو طالبان یو
 علم او پوهه نه منو
 د سحو دسمنان یو
 بی باکه جاهلان یو

دا په وی نعره ز مور
 دا به وی وعده ز مور
 ملک به وی تیاره ز مور
 خلک به وی خواره ز مور
 خیل د بد مرغان یو

مور خو طالبان یو

مور خو طالبان یو
د سحو دسمنان یو
علم او پوهه نه منو
بی باکه جاهلان یو
ملک کی چه رشوت نه وی
چورنه وی چور لت نه وی
دارنه وی وحشت نه وی
مور ته چه عزت نه وی
نوکر در غلیمان یو
مور خو طالبان یو

مور خو طالبان یو
د سحو دسمنان یو
علم و پوهه نه منو
بی باکه جاهلان یو
غوارو مور په تول توان
د نجونو مکتبونو وران
سحی وی به کور بندیان
کور د ملایان ودان
خوار باندی پرنگان یو
مور خو طالبان یو

مور خو طالبان یو
د سحو دسمنان یو
علم او پوهه نه منو
بی باکه جاهلان یو
مور خو اتم بم لرو
تریاک لروحه غم لرو
مقاد لروسل چم لرو
مدام لرو پیهم لرو
د مرگ تاجران یو
مور خو طالبان یو

مور خو طالبان یو
د سحو دسمنان یو
علم او پوهه نه منو
بی باکه جاهلان یو
حریت کی چه عزت نسته
نعمت کی چه غیرت نسته
په علم کی قوت نسته
پیشرفت کی چه رفعت نسته
د جهل پتنگان یو
مور خو طالبان یو

مور خو طالبان یو
د سحو دسمنان یو
علم او پوهه نه منو
بی باکه جاهلان یو

نابود باد نظام ستمگرانه حاکم

ستم بر زن دارای ریشه تاریخی بس طولانی است. از همان زمانیکه جوامع غیر طبقاتی اولیه فروپاشیدند و نظام مادر سالاری از میان رفت، اعمال ستم بر زنان از سوی مردان آغاز گردیده و در تمامی نظام های تحت سلطه طبقات استثمارگر برده دار، فیودال و سرمایه دار ادامه یافته است. همانند هر جامعه طبقاتی دیگر، ستم بر زن در افغانستان نیز جزء مهمی از ساختار اقتصادی - اجتماعی استثمارگرانه مسلط بر جامعه می باشد، یعنی ستم بر زنان بخشی از ساختار نیمه فیودالی تحت سلطه امپریالیزم بوده و در خدمت تامین منافع امپریالیست ها و مرتجعین قرار دارد.

تضاد زنان با شوونیزم مرد سالار، با وجودیکه با تضادهای طبقاتی و ملی فرق داشته و اسلوب حل آن نیز متفاوت است، اما در هر حال موجودیت آن یک ویژگی اصلی نظام مسلط بر جامعه افغانستان شمرده میشود. مسئله ستم بر زنان نباید بمثابة یک قضیه فرعی تلقی گردد، زیرا که از یکجانب به محرومیت نصف نفوس جامعه از حقوق اجتماعی و فردی مربوط است و از جانب دیگر مناسبات غیر انسانی مرتبط با آن، جامعه را به نحو بسیار عمیقی - از محیط خانواده گرفته تا گستره های وسیع اجتماعی - بصورت منفی متاثر میسازد و به عنوان یک عامل اصلی در حفظ و بقای مناسبات نیمه مستعمراتی - نیمه فیودالی مسلط نقش بازی میکند.

شوونیزم مرد سالار و ستم تحمیلی بر زنان، نزدیکترین مناسبات انسانی مثل مناسبات میان زن و شوهر و مناسبات میان والدین و فرزندان را با مناسبات غیر انسانی ننگینی از قبیل خرید و فروش، لت و کوب و شکنجه، زندانی ساختن و سلب آزادی، تعبیض جنسی، حاکمیت و محکومیت و ... می آلاید.

محرومیت زنان از حقوق سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، نصف نفوس جامعه را از شرکت فعال در حیات اجتماعی باز میدارد و آنها را در چهار دیواری خانه محدود نگه میدارد. عقبماندگی مفرضی که در اثر این حالت بر زنان تحمیل میگردد، بنوبه خود به صورت مستقیم و غیر مستقیم باعث عقب نگهداشته شدن کل جامعه میگردد. شوونیزم مردسالار و اعمال ستم بر زنان یکی از اجزای اصلی نظام ارتجاعی و استبدادی حاکم بر جامعه است و بدون از میان بردن آن ایجاد یک جامعه آزاد، دموکراتیک و انقلابی ممکن نیست.

ستم بر زن که باعث پدید آمدن تضاد اجتماعی میان زنان و مردان بطور عموم میشود، نباید به مثابه یک پدیده غیر مرتبط با طبقات اجتماعی و مبارزات طبقاتی انگاشته شود. زنان مربوط به طبقات استثمارگر از مزایای زندگی استثمار گرانه این طبقات بهره مند هستند و همین امر اساس جهت گیری های اجتماعی و سیاسی آنها را معین می نماید. اما زنان مربوط به طبقات تحت استثمار که بار ستم و استثمار امپریالیستی و ارتجاعی را بدوش می کشند، بصورت بالقوه دارای شور و شوق انقلابی عظیمی می

باشند که اگر در جهت انقلاب رها شود، تاثیرات بالفعل فوق العاده بزرگی بر پیشرفت پروسه انقلاب خواهد گذاشت.

بدین قرار شونیزم مرد سالار یکی از آماجهای اصلی، زنان ستمدیده یکی از نیروهای محرکه و برقراری تساوی میان زنان و مردان در عرصه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از نکات اصلی برنامه انقلاب مردمی افغانستان بشمار می رود. فعالیتهای مبارزاتی انقلابی زنان نه تنها نیروی پر قدرتی را در خدمت انقلاب کشور قرار میدهد، بلکه مستقیماً و راساً نیز ستم بر آنها را که یک بخش اصلی نظام ستمگرانه و استعمارگرانه حاکم بر جامعه است، مورد ضربت جدی قرار میدهد. از این جهت مبارزات انقلابی زنان ستمدیده برای سرنگوی نظام ارتجاعی حاکم دارای اهمیت بزرگی است و در هر حالتی نمی توان آنها نادیده گرفت.

اگر به تاریخ افغانستان مراجعه نماییم می بینیم که اولین بار در زمان سلطنت امان الله یک سلسله اقدامات روبنایی محدود در رابطه با تامین حقوق و آزادی زنان رویدست گرفته شد. این اقدامات ریفورمیستی که با فقدان تغییرات زیر بنایی همراه بود، یکجا با از میان رفتن سلطنت امان الله تقریباً از میان رفت. بار دیگر در ایام دموکراسی بازیهای کذایی شاه محمود، که مقارن با مبارزات دموکراتیک دوره هفت شورا بود - باز هم یک سلسله اقدامات روبنایی و ریفورمیستی محدودی بویژه در ساحة تعلیم و تربیه نسوان پیش برده شد. جریان این اقدامات ادامه یافت و در زمان " دموکراسی تاجدار" ظاهر خانی دامنه آن وسعت و گسترش یافته و مناطقی از دهات کشور را نیز در سطوح ابتدایی در بر گرفت. بدین صورت در طول سالهای " دموکراسی تاجدار" ظاهر خانی قشر معدودی از نسوان شهری توانست در عرصه های تعلیمی، فرهنگی، اقتصادی، علمی و اجتماعی و کم و بیش در عرصه سیاسی به فعالیت بپردازد. در دوره پنج ساله جمهوریت داود خانی کدام اقدام جدی ای در ساحة حقوق و آزادیهای زنان صورت نگرفت و اساساً همان سیاست های زمان " دموکراسی تاجدار" ادامه یافت. حتا میتوان گفت که در ایندوره فعالیت های محدود زنان در عرصه سیاسی نه تنها انکشاف نیافت، بلکه با رکود نیز مواجه گردید.

رژیم کودتای هفت ثور در مورد مسایل زنان فعالیت های تازه ای را رویدست گرفت، اما در اساس همان سیاستهای ظاهر خانی و داود خانی را ادامه داد. مهم ترین اقدام رژیم کودتای هفت ثور در عرصه حقوق و آزادی زنان صدور فرمان شماره هفت و سعی در اجرای عملی آن بود. متن این فرمان مسایل مربوط به ازدواج را در بر می گرفت و شامل آزادی نسوان در انتخاب همسر، غیر قانونی بودن دریافت و پرداخت شیربها و لغو تحمیل طویانه های گزاف بود. این فرمان نه تنها فقط به عرصه مسایل مربوط به ازدواج محدود بود، بلکه در همان محدوده نیز پیگیری نداشت و در آن مهریه منسوخ نشده بود، تعدد زوجات تحریم نگردیده بود و حق طلاق برای زنان به رسمیت شناخته نشده بود. اما گذشته از اینها این فرمان ازدواج های اجباری، شیربها و طویانه های تحمیلی را عملاً از میان برده نتوانست، بلکه برای مدت بسیار محدودی آنها زیر زمینی ساخت و بر ابعاد منفی شان افزود.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان قرار داشت، وسیله ای برای سازماندهی و بسیج زنان در جهت تامین منافع ارتجاعی رژیم کودتا و ارباب سوسیال امپریالیستش بود. این سازمان با تخویف و تهدید، زنان شاغل در ادارات دولتی و مکاتب و فابریکه ها را جبراً وادار به قبول عضویت می نمود تا به نفع رژیم کودتا به فعالیت بپردازند. سازمان دموکراتیک زنان افغانستان از ابتدای پیدایش یک سازمان صرفاً متشکل از زنان و دختران تحصیل کرده بود و در تمام طول موجودیت و فعالیتش کاملاً همینگونه باقی ماند و به هیچ وجهی توده های عام زنان را در بر نگرفت.

رژیم کودتا به مسلح ساختن بعضی از زنان و دختران مربوط به گروه های متعلقه اش نیز دست زد، اما این اقدام رژیم در اساس کدام اهمیت جدی عملی نداشت و تا آخر نمایشی و محدود باقی ماند. در مهمترین اقدام ریفورمیستی اقتصادی رژیم کودتای هفت ثور، یعنی اصلاحات ارضی، مسئله زنان تقریباً بصورت کامل نادیده گرفته شده بود. در این برنامه اصلاحات ارضی، زمین های مصادره شده صرفاً در میان زارعین مرد تقسیم می گردید و زنان از دریافت زمین بی بهره بودند. اما حتا همین اقدامات ریفورمیستی و نا پیگیر رژیم کودتا نیز ادامه نیافت. رژیم در مسیر " مشی مصالحه ملی" قبل و بعد از خروج قوای اشغالگر از کشور و به خاطر سازش و تیبانی با نیروهای ارتجاعی اسلامی، سیاست های ویژه خود در مورد زنان را بصورت عمده دور انداخته و نهاد های مربوطه آنها را از میان برد. در نتیجه، برنامه های این رژیم در مورد زنان به سطح همان برنامه های زمان ظاهر و داود سقوط نمود.

در دوران جنگ مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی، زنان عموماً با ارائه خدمات غیر نظامی و سنتی در جنگ سهم گرفتند. شوونیزم مرد سالار حاکم بر جامعه اجازه نداد که آنها فعالانه دست به اسلحه برده و علیه قوای اشغالگر و رژیم پوشالی بجنگند. علیرغم این مسایل، زنان کشور قربانی های عظیمی را در دوران جنگ مقاومت متحمل شدند. در دوران جنگ مقاومت و حتا جنگ های ضد رژیم کودتا قبل از شش جدی 1358، بنا به سلطه سیاست های شوونیستی غلیظ نیروهای ارتجاعی اسلامی بر جبهات جنگ ضد دولتی و جبهات جنگ مقاومت، تاثیرات و نشانه های اقدامات ریفورمیستی روبنایی قبلی دولتی در مناطق وسیعی از دهات کشور شدیداً ضربت خوردند، چنانچه مکاتب دخترانه در این مناطق بصورت وسیعی از میان رفتند. نیروهای ارتجاعی اسلامی حتا در محیط مهاجرت پیوسته برای جلوگیری از تحصیل دختران و کار زنان در بیرون از خانه، سلسله ای از فعالیت های شوونیستی سبعمانه و ددمنشانه را براه انداختند و پیش بردند. در چنین حالتی بازار خرید و فروش زنان و دختران بصورت ننگ آوری بیشتر از پیش پر رونق گردید و به ویژه در محیط کمپ های مهاجرین در پاکستان خرپولهای ددمنش عرب نیز در آن داخل گردیدند.

موفقیت در جنگ مقاومت ضد تجاوز بطور تاسفباری صرفاً در سطح خروج قوای اشغالگر و فروپاشی رژیم بازمانده از دوران اشغال مفهوم یافت و مسایل اساسی جامعه کماکان به حال خود باقی ماندند. این حالت تاثیرات شدیدی بصورت منفی روی

مسئله زنان برجای گذاشت و آنرا بیشتر از پیش و به شدت به وخامت کشاند. پس از آنکه رژیم اسلامی قدرت را از بازماندگان رژیم نجیب تحویل گرفت، حتی همان آزادیهای محدود که قشر کوچکی از زنان و دختران شهری به آنها دست یافته بود تقریباً بکلی از میان رفت. کار به جایی کشید که زنان و دختران در کشاکش جنگ های ارتجاعی میان باند های مختلف تازه به قدرت رسیده حتی حق مصنوعیت شخصی و حق حیات شانرا از دست دادند و بصورت بالفعل و بالقوه غنایم جنگی محسوب گردیدند. دادگاه عالی حکومت ربانی در زمان سلطه این حکومت بر کابل، فتوا نامه ای صادر کرد و در آن بر بستن مکاتب دخترانه، اخراج زنان از ادارات دولتی، منع کار زنان در بیرون از خانه، منع روی لوچی و خلاصه بر زندانی ساختن زنان در چهار دیواری خانه، حکم داد. این حکومت به دلیل تشمت و پراگندگی ذاتی از تطبیق کامل احکام این فتوا نامه عاجز بود، ولی تا آنجاییکه توانست در اجرای مندرجات آن کوشید. در واقع تطبیق کامل فتوا نامه مذکور بدوش امارت اسلامی طالبان افتاد.

طالبان به محض رویکار آمدن، زنان - بویژه زنان شهری - را حکم قاطع و صریح دادند که نباید از خانه ها بیرون گردند، در غیر آن مورد مجازات قرار خواهند گرفت. اینان همه روزه زنان را درملاء عام شلاق می زنند و بدین ترتیب تلاش می نمایند که پیکر نیم خفته جامعه ما را بگونه کامل در خواب غفلت فرو برند. طالبان دروازه های مکاتب و معارف و حتی بازار را به روی زنان بسته اند. آنها حتی دم زدن از احقاق حقوق زنان را مردود و ممنوع اعلام کرده اند. طالبان کار و فعالیت زنان در ادارات، فابریکه ها و موسسات را بگونه کامل منع کرده اند و حتی طبابت زنان را به شدت تحت کنترل قرار داده اند.

زن ستیزی دد منشانه طالبان در سطح ملی و بین المللی یک امر افشا شده و رسوا است، از این رو لزومی ندارد که در اینجا به توضیح و تشریح مفصل نموده های گوناگون و مختلف آن بپردازیم. قدر مسلم این است که زنان افغانستان برای تامین حقوق شان و برای دست یابی به حیثیت فردی و اجتماعی انسانی در خور شان، به جز مبارزات فعال علیه نظام حاکم و قدرتمندان حاکم، بویژه طالبان، راه دیگری ندارند. قوت مبارزاتی زنان، نیروی رزمی نصف نفوس جامعه ما است. این قوت عظیم نه تنها در عرصه مبارزه بخاطر تامین حقوق زنان بلکه در عرصه های مبارزاتی ضد ارتجاع حاکم و ضد قدرت های یغماگر جهانی و قدرت های ارتجاعی خارجی حامی و پشتیبان مرتجعین نیز یک نیروی تعیین کننده است. در واقع باید گفت که نجات جامعه افغانستان از بحران موجود فعلی و جنگ های ارتجاعی جاری بر مبنای منافع علیای مردمان کشور، به پیمانۀ بسیار زیادی به فعال شدن هر چه بیشتر توان مبارزاتی زنان گره خورده است.

باید خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه انقلاب رها نمائید!

وبلاگ دسته هشت مارچ زنان افغانستان:
www.nabardezan.persinblog.ir

نشانی الکترونیکی دسته هشت مارچ:
nabardezan@gmail.com

وبلاگ جنبش انقلابی جوانان افغانستان:
www.basoye.persianblog.ir